

◎ ما و پروژه‌ی ناتمام عدالت

عدالت کلیدی‌ترین خواست و دال مرکزی گفتمان شهید مزاری بود. اگر عدالت را از گفته‌ها و آرمان‌های شهید مزاری برداریم، چیزی از آن باقی نمی‌ماند و اساساً همین مفهوم بوده است که او را در تاریخ این کشور ماندگار کرده است. از سوی دیگر اگر مزاری را از مسیر عدالت‌خواهی و عدالت‌طلبی در افغانستان بگیریم و هرگونه بحث در باره عدالت را در غیبت گفتمان مزاری راه اندازیم، عقیم خواهد بود. این درهم‌تنیدگی نام شهید مزاری با گفتمان عدالت‌خواهی در افغانستان از او چهره‌ای منحصر‌بفرد و نامی پرآوازه ساخته است.

فقدان عدالت و وجود تبعیض و نابرابری دوروی یک سکه اند که همواره در قامت نظام‌های استبدادی و تمامیت‌خواه تبارز کرده است. بحران امنیتی و بی‌ثباتی سیاسی که در دهه‌های اخیر بروز کرده است، به نحوی نتیجه‌ی ساختارهای قوم‌محور گذشته و نظام‌های انحصارطلب بوده است. مسأله‌ی عدالت اگرچه مسأله‌ی اصلی شهید مزاری بود، اما ریشه در گذشته‌های دورتر داشت. به همین خاطر شهید مزاری نیز یادآور شد که تمامیت‌خواهی و انحصارطلبی ریشه در ساختارهای نابرابر و تبعیض‌آمیز حیات اجتماعی و سیاسی ما دارد و این ویژگی اختصاص به یک قوم و کتله‌ی خاص ندارد. هرکسی در این سرزمین به قدرت برسد، سیستم سیاسی را به طور خودکار تبدیل به استبداد و تمامیت‌خواهی می‌کند. شهید مزاری در برهه‌ای از تاریخ ایستاده بود که تاریخ به ظاهر در حال گسست از گذشته بود. اما روح تاریخ گذشته هم‌چنان در کالبد سیستم جدید تداوم یافته بود.

شهید مزاری در آن مرحله‌ی حساس باید یک گسست بنیادین را ایجاد می‌کرد. این گسست با تاسیس نظام مبتنی بر عدالت امکان‌پذیر نشد و وضعیت بر وفق مراد او که همانا تأمین عدالت بود، نچرخید. او به روشنی گفت که شعارها اسلامی و ملی است ولی عملکردها قومی و نژادی. این گفته نشان می‌دهد که شهید مزاری دریافته بود که «عمل» به عنوان محور اصلی تاریخ هم‌چنان بر مدار گذشته در حرکت است و چیزی تغییر نکرده است. به همین خاطر خود مسیری را رفت که به سمت عدالت کشیده شده بود. او نه تنها در کلام و آرمان بلکه در عمل نیز در جستجوی عدالت برآمد. اکنون پس از بیست و سه سال که به مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارهای شهید مزاری می‌بینیم، نشانه‌های روشنی از عدالت و عدالت‌خواهی می‌یابیم. تعلق داشتن شهید مزاری به کتله‌ی بی‌پناه و محروم، گفتمان عدالت‌خواهی او را واقعی‌تر و محق‌تر می‌ساخت. به همین دلیل این گفته‌ی مشهور که «شهید مزاری محور تاریخ را تغییر داد»، بیش از هر زمان دیگر اکنون بر دل می‌نشیند و نه تنها به عنوان «واقعیت» بلکه به عنوان «حقیقت»



محمد هدایت



“

شهید مزاری در آن مرحله‌ی حساس باید یک گسست بنیادین را ایجاد می‌کرد. این گسست با تاسیس نظام مبتنی بر عدالت امکان‌پذیر نشد و وضعیت بر وفق مراد او که همانا تأمین عدالت بود، نچرخید. او به روشنی گفت که شعارها اسلامی و ملی است ولی عملکردها قومی و نژادی. این گفته نشان می‌دهد که شهید مزاری دریافته بود که «عمل» به عنوان محور اصلی تاریخ هم‌چنان بر مدار گذشته در حرکت است و چیزی تغییر نکرده است.

”

انکار ناپذیر در متن جامعه پراشوب افغانی جا افتاده است.

همین تغییر مسیر تاریخ سبب شد که رابطه شهید مزاری با تاریخ افغانستان و هم‌چنین نسل امروز و نسل‌های فردا به صورت بنیادین و منطقی برقرار شود. زیرا عدالت امری نیست که یا فراموش شود و یا مورد نیاز کسی نباشد. عدالت هم برای نسل دیروز بود، هم برای نسل امروز است و هم برای نسل فردا به عنوان مهم‌ترین ضرورت و خواست آن‌ها مطرح خواهد بود. از همین رو نام شهید مزاری جاودانه خواهد ماند. چرا که نام او با عدالت به عنوان فوری‌ترین و بنیادی‌ترین نیاز هم‌هی نسل‌ها، گره خورده است.

سخن گفتن در باره‌ی شهید مزاری و پرداختن به او به نحوی پرداختن به عدالت نیز هست. محکم‌ترین ارتباط نسل امروز با شهید مزاری نیز رشته‌ای به نام عدالت اجتماعی است. زیرا که امروز نیز هم‌هی ما در جستجوی عدالت هستیم و عدالت به عنوان یک پروژه‌ی ناتمام که شهید مزاری آن را در مناسبات قدرت و توزیع فرصت در دوران جدید شروع کرد، هنوز به اتمام نرسیده است. عدالت همان رشته‌ی محکمی است که بین نسل امروز و شهید مزاری هم‌چنان برقرار است.

نسل دیروز اگر مجبور بود که با تفنگ به دنبال عدالت بگردد، نسل امروز مجبور است عدالت را از مجرای گفتگو و مفاهمه در حوزه‌ی عمومی جستجو کند. اکنون زمان دست بردن به سلاح گذشته است و در عصر ارتباطات تنها عقلانیت ارتباطی است که استراتژی حیات جمعی را تعیین می‌کند که آن هم از طریق گفتگو ممکن است.

اما گفتگو نیز الزامات خود را دارد و اگر الزامات آن را رعایت نکنیم، نتیجه‌ی عینی در بر نخواهد داشت و تنها به هیاهوی بدون نتیجه منجر خواهد گردید.

شهید مزاری در وضعیت اضطراری به سر می‌برد و حتی در همان وضعیت هم گفتگو را از یاد نبرد. در بدترین شرایط وقتی مجبور می‌شد در باره‌ی جنگ سخن بگوید، تاکید می‌کرد که جنگ راه حل نیست و مشکلات را باید از راه مفاهمه و گفتگو حل و فصل کرد. او در جستجوی عدالت بود. اما باور داشت که عدالت تنها با پذیرش همدیگر و از طریق گفتگو به دست می‌آید. شهید مزاری از آن جهت نیز سرآمد است که هم‌هی ما را به گفتگو فراخواند و محور گفتگو هم عدالت و برابری را می‌دانست.

آن‌چه در این ویژه‌نامه گرد آمده است گفتگوهای است در باره‌ی شهید مزاری و گفتگو در باره‌ی شهید مزاری، گفتگو در باره‌ی عدالت هم هست. تصمیم در باره‌ی نشر این ویژه‌نامه بسیار سریع و با پیشنهاد جناب استاد دانش معاون ریاست جمهوری گرفته شد. اما در همین زمان کم بزرگان زیادی درخواست مقاله و یا انجام گفتگو در باره‌ی شهید مزاری را لیبیک گفتند. در این مدت اندک، مطالب و موضوعات بسیار اساسی در دسترس ما قرار گرفت و این موضوع نشان داد که مزاری هنوز بعد از بیست‌وسه سال معجزه می‌کند و وقتی نامی از مزاری در میان باشد، هیچ کاری بر زمین نمی‌ماند. هم‌زمان با این ویژه‌نامه در همین مدت اندک مجموعه مصاحبه‌های شهید مزاری آماده چاپ و نشر گردید که یک کار در خور ستایش و بزرگ است.